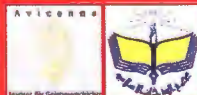


علم میزان به روایت جابر بن حیان



محمد جوهرچی

نشر مجمع ذخائر اسلامی - قم
مؤسسه ابن سینا برای پژوهش در تاریخ اندیشه - تهر
۱۳۹۴ خورشیدی



The Science of Balance According to Jābir ibn Ḥayyān

Mohammad Joharchi

ISBN 978-964-988-831-6



Bonn - Qom 2015



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

- | | |
|---------------------|---|
| سرشناسه | : جوهرچی، محمد، ۱۲۵۳ - |
| عنوان و نام پدیدآور | : علم میزان به روایت جابر بن حیان |
| مشخصات نشر | : قم: مجمع ذخایر اسلامی، ۱۳۹۴. |
| مشخصات ظاهری | : ۲۱۲ ص. |
| فروست | : میراث کیمیاوی در عربی، فارسی و ترکی ؛ ۱. |
| شابک | : ۹۷۸-۹۶۴-۹۸۸-۸۳۱-۶ |
| وضعیت فهرست نویسی | : فبیای مختصر |
| یادداشت | : فهرستنویسی کامل این اثر در نشانی: http://opac.nlai.ir |
| | : قابل دسترسی است |
| شناسه افزوده | : موسسه فرهنگی ابن سینای بزرگ |
| شماره کتابشناسی ملی | : ۳۷۹۰۳۶۲ |

علم میزان
به روایت جابر بن حیان

محمد جوهرچی

نشر: مجمع ذخائر اسلامی - قم و مؤسسه ابن سینا - بن
۱۳۹۳ خورشیدی

میراث کیمیاوی

در عربی، فارسی و ترکی

۱

مجمع ذخائر اسلامی - قم، ایران / مؤسسه ابن سینا برای پژوهش در تاریخ اندیشه - بن، آلمان

علم میزان به روایت جابر بن حیان

تألیف: محمد جوهرچی

نشر: مجمع ذخائر اسلامی - قم، مؤسسه ابن سینا - بن

طراح گرافیک: روح الله فرهنگ طرح روی جلد: محمد کریمی

چاپ: ظهور صحافی: نفیس نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۳

شمارگان: محدود شابک: ۱ - ۷۳۷ - ۹۸۸ - ۹۶۴ - ۹۷۸

قیمت در سال انتشار: ۲۰۰۰۰ هزار تومان



ارتباط با ناشر در ایران

قم، خیابان آذر، کوی ۲۳، پلاک ۱ - مجمع ذخائر اسلامی

تلفن: ۹۸ ۲۵۳ ۷۷۱۳۷۴۰ + دورنگار ۱۱۱۹ ۷۷۰ ۲۵۳ ۹۸ + همراه ۹۸ ۹۱۲ ۲۵۲۴۳۳۵ +

www.zakhair.net

www.mzi.ir

زیر نظر

محمد کریمی زنجانی اصل

(دانشگاه مونستر - آلمان)

مشاوران علمی

محمد جوهرچی مؤسسه ابن سینا (آلمان)

آنونزیاتا روسو دانشگاه ماسراتا (ایتالیا)

رگولا فورستر دانشگاه آزاد برلین (آلمان)

رضا کوهکن مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه (ایران)

ماتئو مارتلی دانشگاه بولونیا (ایتالیا)

پیشگفتار

میراث کیمیاوی در روزگار اسلامی، موضوعات متنوعی را پیش روی ما می‌نهد که در یک‌سوی آنها کیهان‌شناسی‌های فلسفی قرار دارند و در سوی دیگر پرداختن به مفاهیم پیچیده دانش‌های هرمسی؛ دانش‌هایی مانند علم المیزان، تنجیم، تفسیرهای عرفانی هستی انسان و جهان، و ... این میراث، در عین حال، از چگونگی حضور هم‌هنگام میراث علمی / باطنی متفکران مصری و یونانی و ایرانی و شرق هلنی در شاکله‌ای به هم پیوسته خبر می‌دهد. در واقع، اینکه در متن‌های بر جای مانده از این روزگار به طیفی از نام‌های مؤلفانی برمی‌خوریم که از شاهزادگان اموی مانند خالد بن یزید و امامان شیعی مانند جعفر بن محمد صادق (ع) تا پزشکانی چون محمد بن زکریای رازی و فیلسوفانی چون فارابی و ابن‌سینا و متکلمانی مانند قاضی عبدالجبار همدانی و ادیبانی چون شمس الدین طغرایی را دربرمی‌گیرند، بایستگی پرداختن به این میراث را بیش از پیش می‌نماید. وجود بیش از یک هزار عنوان رساله و کتاب در نسخه‌های خطی موجود، از چند صفحه تا چند صد صفحه، آن هم به زبان‌های رایج در «جهان اسلام»^۱ و درنگ در تعداد عناوین منتشر شده از این میراث و پژوهش‌های انجام گرفته درباره آنها در سده‌های نوزدهم و بیستم میلادی، به روشنی برمی‌نماید که دانش ما در این باره،

^۱ گفتنی است که نگارنده با این اصطلاح برآمده از سنت شرق‌شناسی — در معنای ادوارد سعیدی آن —، چندان موافق نیست، و در اینجا صرفاً از آن به عنوان اصطلاحی متداول بهره گرفته است و به خوبی می‌داند که چنین تعبیری، هرگز بیانگر تنوع فرهنگی و زبانی و قومی و دینی و زیستی ساکنان حاضر در این گستره جغرافیایی گسترده نیست؛ گستره‌ای که برای سده‌ها دستخوش تغییر بوده و هست.

هنوز تا چه اندازه محدود و افق‌های پیش روی محققان تا چه اندازه گسترده می‌تواند بود؛ و دریغ آنکه در چهار دهه اخیر، تلاش برای انتشار این میراث روندی نزولی داشته و پژوهش‌های انجام گرفته نیز هم.

مجموعه «میراث کیمیاوی در عربی، فارسی و ترکی» با انتشار متن‌های تصحیح شده و چاپ عکسی شماری از نسخه‌های خطی کیمیاوی، و البته، پژوهش‌های انجام گرفته در این باره، می‌کوشد توجه دوباره محققان را به این میراث و ارزش افق‌های هنوز کشف‌نشده‌اش جلب کند و آنان را به تأملی دوباره در آن برانگیزاند؛ و نیکبختانه در این راه از همکاری استادان و پژوهشگرانی بهره‌مند است که هر یک سال‌ها در این میراث پژوهیده‌اند و تجربیات ارزشمندشان را با همکاری در هیئت علمی این مجموعه در اختیار علاقه‌مندان نهاده‌اند. در این مجال، سپاس از آنها و دیگر محققانی که آثارشان را برای انتشار در اختیار این مجموعه نهاده‌اند کمترین کاری است که می‌توانم کرد؛ همچنان که این سپاس را پیشکش کتابخانه‌هایی بایدم نمود که بزرگوارانه اجازه چاپ عکسی نسخه‌های ارزشمندشان را دادند؛ و نیز پیشکش دوستان و همکارانی که در به‌ثمر رسیدن چنین مجموعه‌ای، بدون هیچ چشم‌داشتی ما را یاری کردند؛ از دسترسی به نسخه‌های خطی تا بازخوانی متن‌ها و به‌فرجام رساندن مراحل چاپ این آثار. بی‌گمان، حضور آنها و یاری‌های بی‌دریغ‌شان، اشارتی دیگر است بر درستی این سخن هرمس الهرامسه که «کیمیا» را امری حاضر در جان آدمی دانسته است؛ امری که همواره با بشر است؛ در خشکی، در دریا، و در آسمان. تنها با صداقت و راستی ببايدش خواند تا حضور حاضر خود را آشکار کند و برنامه‌ای که کارگاه اصلی کیمیاگری «جان» آدمی است؛ جانی بی‌قرار که نشئه دیگری را بازمی‌جوید؛ نشئه‌ای که در رمز و رازهای کیمیاگران از نامحرمان چهره می‌پوشاند.

اهمیت کنونی میراث کیمیاوی نیز در همین راز و رمزها است. در واقع، اکنون و در جهانی که بیشتر مردمانش در ورطه کفر و ایمان، بدگمانی و خوش‌بینی، یأس و امید و ... حیرانند و بسا که از خوانش‌های رسمی معنویت طرفی نمی‌بندند، متون کیمیاگری برای ما دستاورد بس مهمی دارند.

از ورای بسیاری از این متن‌ها، تلاش صادقانه و بسا صمیمانهٔ انسان‌هایی را می‌توان دید که برای فهم جهان پیرامون خود و برای معنا بخشیدن به این جهان از هیچ کوششی رویگردان نبوده‌اند.

اینکه آیا آنان هم موقعیتی چون ما را تجربه کرده‌اند یا نه، پرسشی است که شاید هیچ‌گاه پاسخ روشنی نیابد؛ با این حال، نمی‌توان انکار کرد که این مردان و زنانی که از پس هزاره‌ها ما را می‌خوانند، در پی بازنمود این اصل ساده اما ژرف‌اند که حقیقت در ورای سویهٔ جمعی‌اش، بُعدی فردی و وجهی شخصی نیز دارد که اصالت و اهمیتش از شکل جمعی‌نمای حقیقت اصلاً کمتر نیست. این متن‌ها، همچنین، راهنمون ما به این آموزه‌اند که جستجوی حقیقت، بیش از هر چیز و پیش از هر چیز، سلوکی باطنی است که سالک در آن، با اراده به دریافت حقیقت، بسا که به تشبیه به موضوع این خواسته و آرزو راه تواند بُرد و باطن خویش را دگرگون تواند کرد. در این مقام، حقیقت دیگر آن امر خودبنیادی نخواهد بود که با جهان درونی ما کمترین ارتباطی ندارد؛ بلکه همان خویشتن از بنیاد استحاله‌شدهٔ ما است که در جست و جوی جهان به گام‌های استوار ما و در گفت و گوی جهان با حضور زندهٔ ما رخ برمی‌نماید.

بُن، شامگاه بیست و نهم ژانویهٔ ۲۰۱۴ میلادی

محمد کریمی زنجانی اصل

فهرست مطالب

۱۳	درآمد
----	-------------

بخش یک: جابر بن حیان؛ جست‌وجوی یقین در وادی گمان

۲۳	۱. سوانح حیات
۳۱	۲. پیشوای جابر
۳۵	۳. کتاب‌شناسی
۴۵	۴. زبان مجموعه جابری
۵۲	۵. مسئله جابری

بخش دو: جان و جهان در حکمت ابن حیان

۵۹	درآمد
۶۰	۱. جان کلام
۶۹	۲. کلام جهان
۷۵	۳. حکمت؛ جان‌مایه جهان
۸۴	۴. کیمیا: علم جهان، حکمت جان

بخش سه: مُلک و ملکوت در تطبیق و توازن

۹۹	درآمد
۱۰۰	۱. نظری به واژه، سیری در تبار
۱۰۵	۲. میزان در قرآن، سنت معصومان و جامعه مسلمانان

۱۱۰	۳. مقدمه‌ای بر میزان جابری
۱۲۷	۴. جهان در کفه میزان
۱۴۴	۵. و وَضَعَ الْمِيزَانَ
۱۷۱	دست‌آورد

پیوست‌ها

۱۷۹	۱. جریان تاریخی آموزه‌های شیمیایی به فرهنگ اسلامی
۱۸۰	۲. نمودار ابزارهای مورد استفاده در شیمی
۱۸۱	۳. نمودار مواد شیمیایی
۱۸۲	۴. نشانه‌های مواد شیمیایی (فلزات)، مرتبط با نشانه‌های کواکب آسمانی
۱۸۳	۵. کتاب‌شناسی توصیفی کتب الموازین در مجموعه آثار جابر بن حیان
۱۹۱	فهرست منابع

درآمد

علم میزان از علوم بنیادی یا دست‌کم از مهم‌ترین نظریه‌های دانش طبیعی است که در کیمیای دوره اسلامی مطرح شد و آنچنان بسط یافت و دگرگون گشت که چند سده بعد، به‌سختی می‌شد میان آن و ماهیت نخستینش شباهتی یافت؛ چنان که در قرن‌های اخیر، اگر چیزی از آن باقی بود، از قبیل معارف خفیه یا شبه‌علمی موهوم تلقی می‌گشت. میزان را نوعی جهان‌شناسی دانسته‌اند که در علوم اوایل، سابقه‌ای داشت و در میان مسلمانان اوّل بار در آثار جابر بن حیان عیان شد و خلعت نظریه پوشید و پس از او، لااقل بسیاری از کیمیاگران به این نظریه التفاتی خاص داشتند و رساله‌هایی در شرح و بسط آن نگاشتند.

اما اصل این مفهوم، از توجه کمی به کیفیات و دقت مقداری در محاسبه ماهیت‌های تشکیل‌دهنده عالم نشأت می‌گیرد. این مفهوم، در جهان توحیدی که سرشار از خلق خداست، در حکمت عادلانه او تجلی می‌یابد و همین جاست که گزارش‌های عددی و تناسب‌های ریاضی، به کار تبیین عالمی می‌آید که همه چیزش به مقدار و از روی حساب است و طبیعتاً، خلقت ثانویه بشری هم حتی اگر خلّاقانه و هوشمندانه باشد، از مسیری جز شناخت میزان، تقلید از آن و بالمآل ابداع‌های جزئی نخواهد گذشت.

کوششی این‌چنین به‌منظور شناسایی اجزای بنیادین جهان و چگونگی ترکیب آنها — به لحاظ کیفی و کمی — با یکدیگر برای پدیدارشدن موجودات گوناگون،

امروزه نیز موضوع و محتوای فعالیت‌های مربوط به دانش طبیعی به‌شمار می‌رود و از دستاوردهای نظری آن است که فناوری نیز به بار می‌آید و در حوزه‌های شیمی و فیزیک و زیست‌شناسی، شیرینی ابداع و تصرف طبیعت را به کام بشر مدرن می‌نشانند. علاوه بر این، از دیدگاه تاریخ علم، شاید «میزان» نخستین بارقه‌گرایش کلی دانشمندان طبیعی به دقت محاسباتی و گزارش دانش به زبان ریاضی باشد. البته، دانش طبیعی در موارد جزئی مانند حرکت، به بیان ریاضی نزدیک شده بود اما پیوند راهبردی و لاینفک اعداد با کیفیات، فرصت و ظرفیتی را پیش روی علم نهاد که می‌توانست تحولی پدید آورد.

با این همه، درباره علم میزان بسیار کم گفته شده و در منابع امروزی نیز هیچ اثری که اصالتاً به زبان فارسی باشد، بدان اختصاص نیافته است. البته، تحقیقات نوین به زبان‌های اروپایی هم به‌طور ضمنی به نظریه میزان نزد دانشوران مسلمان پرداخته و در بهترین حالت‌ها نیز کمتر به تحلیل یا گزارشی همه‌جانبه شبیه است؛ بلکه عمدتاً رویکرد علم‌گرایانه یا باطن‌گرایی مؤلفان خود را منعکس می‌کند. به علاوه، متأسفانه در منابع غیراسلامی هم مطلب چندانی درباره علم میزان یا مفاهیم و موضوعات آن در سایر علوم، نزد دانشوران متعلق به فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر نیافته‌ایم تا مقایسه یا مطالعه‌ای تطبیقی میان میزان اسلامی و غیر آن حاصل شود و یا دست‌کم معضلات و ناگفته‌های یکی به کمک دیگری گشوده گردد و گفته آید.

بنابراین به نظر می‌رسد که همه راه‌های اصلی برای درک این مفهوم، به سرچشمه آن در روزگار صباوت تمدن اسلامی، یعنی جابر بن حیان می‌انجامد. اما دریغ که این سرچشمه نیز — اگر نگوییم گل‌آلود — دشواریاب است و موج خون‌فشان دارد؛ چرا که: در حقیقت وجودی جابر تردید است، اصالت و صحت آثارش مشکوک است، زبان متن‌های منسوب یا منتسب ابهام دارد، سائقه‌های دینی و حتی سیاسی حاکم بر تألیف آثار معلوم نیست، پیوند مباحث میزانی با مفاهیم مشابه آن در سایر تمدن‌ها و مکاتب علمی بررسی نشده یا نامحقق و یا

غیرقابل انکا است، موضوع میزان در سراسر آثار پراکنده است و در نهایت، بسیاری از آثار هم چاپ نشده و تعدادی شان ناپیداست یا سخت یاب.

آنچه گفته شد، البته عذر و توجیهی برای نپرداختن به تحقیق فراهم نمی آورد و باید اولین گام ها — هر چند لرزان و ناستوار — در شناختن و شناساندن نظریه میزان بر اساس نوشته های مرجع کیمیاگران مسلمان (شخصیت حقیقی یا نمادین جابر بن حیان) برداشته شود و جای اثری پژوهشی که گزارش و تحلیلی از این موضوع به زبان فارسی ارائه دهد، خالی نباشد؛ بدان امید که با گام های استوارتر و دقیق تر بعدی، شناخت دقیق و مفید حاصل گردد.

تحقیق حاضر بر اساس این ضرورت ها و اهداف، فراهم آمده و درصدد شناختن «میزان» به عنوان یکی از مهم ترین پایه های کیمیا در دوره اسلامی است و در قالب پژوهشی بنیادی، به روش تحلیلی و دارای ماهیت تاریخی و توصیفی، با تمرکز بر آثار منسوب به جابر بن حیان به پرسش ها یا مسئله های ذیل می پردازد: چیستی علم میزان (تعریف، موضوع، غایت، کاربرد و روش)؛ چگونگی ارتباط میزان با جهان شناسی یا اندیشه حاکم بر علم در جهان سنتی؛ تنوع و تعدد میزان ها یا تفرد و انحصار آنها و چیستی تبیین ها، و تقسیم بندی های معیارهای متعدد ارائه شده؛ و سرانجام، چگونگی بررسی تحلیلی کیفیت های اشیاء و ارائه گزارش عددی درباره آنها. البته این تحقیق نیز از پیش فرض های موضوعی و به تبع مسائل، تصور فرضیه هایی ناگزیر است و به استناد شواهد و نتایج قیاسی، در تصدیق این فرضیه ها می کوشد:

علم میزان، آگاهی از مقدار (کمیت) هر کیفیت در هر شیء است و تمام سطوح مادی و فرامادی (نفس و عقل) را در جهان پوشش می دهد؛

میزان جابری از میراث تفکر پیش از خود برخوردار است اما از معارف و آموزه های اسلامی نیز بهره می گیرد و در این فضا قابل درک و تحلیل و ارزیابی است؛

همهٔ اشیاء یا موجودات، میزانی مخصوص به خود دارند اما باید میزان برتری هم وجود داشته باشد؛

نام هر شیء از حقیقت آن پرده برمی دارد و بین حروف و ماهیت‌ها، رابطه‌ای کمی و عددی برقرار است که بهترین معیار در شناسایی کیفیت‌های اشیاء و گزارش عددی آنهاست.

بنابراین اهداف و مسائل و فرضیات، به متون مربوط — به‌ناچار همهٔ متون چاپ شده و در دسترس — از مجموعهٔ آثار جابر بن حیان را مطالعه و تحلیل کرده، به اقتضای محوریت شخصیت جابر بن حیان و آثار او، این دانشور و آثارش را در منابع عمومی و اختصاصی شرح حال، کتاب‌شناسی‌ها، تاریخ‌های عمومی، کتب اعتقادات فرقه‌های اسلامی و حتی منابع رجالی و حدیثی و عرفانی جستجو و در همهٔ این موارد، به‌ویژه در موضوع میزان، تحقیقات جدید را بررسی و نقل و نقد نموده‌ایم.

پیش از این معروض گشت که متأسفانه در زبان فارسی هیچ پیشینهٔ پژوهشی در این باره وجود ندارد و ناگزیر باید اسرار میزان را در حدیث دیگران بجوئیم. برجسته‌ترین آثار در این باره از آن پُل کراوس است که به زبان فرانسوی، پس از ارائهٔ یک کتابشناسی مفصل از کتاب‌ها و رساله‌های جابر، به اندیشهٔ او می‌پردازد و عمدتاً ریشه‌ها و آبشخورهای یونانی و غربی را برای آن می‌جوید و می‌یابد و میزان را نیز در همین زمینهٔ معرفتی و تاریخی، اما بر اساس شواهد و مستندات متون جابری، بررسی و تحلیل می‌کند. البته پیش از کراوس، دیگرانی هم دربارهٔ جابر تحقیق کرده و مطالبی نگاشته بودند؛ کسانی از قبیل کوپ (۱۸۶۹م)، برتلوبا کمک دو وال و هوداس (۱۸۹۳، ۱۸۹۹ و ۱۹۰۶م)، لیپمان (۱۹۱۹م)، هولمیار (۱۹۲۲-۱۹۲۸) و البته بعدها در ۱۹۵۵ و ۱۹۵۷م، دارمیستیر (۱۹۲۵م) و روسکا (۱۹۲۶، ۱۹۲۷، ۱۹۲۹ و ۱۹۳۵م). اما بی‌تردید، کارهای کراوس (۱۹۳۰، ۱۹۳۵، ۱۹۳۶، ۱۹۴۲-۱۹۴۳م) کامل‌ترین و مهم‌ترین است. هم‌زمان و پس از کراوس نیز پِلِسِنر (۱۹۲۷، ۱۹۳۱، ۱۹۵۴، ۱۹۶۵، ۱۹۷۲ و ۱۹۷۴م)، استیلتن (۱۹۲۷، ۱۹۳۳، ۱۹۵۳،

۱۹۵۷، ۱۹۵۸، ۱۹۶۸م)، بروکلمان (۱۹۳۷-۱۹۳۸م)، زیگل (۱۹۵۰م)، فوک (۱۹۵۱م)، یحیی الهاشمی (۱۹۵۹ و ۱۹۶۲م)، زکی نجیب (۱۹۶۱م)، فَن اس (۱۹۶۷-۱۹۶۸م)، پینگری (۱۹۶۸م)، پترز (۱۹۶۸)، ویدمان (۱۹۷۰م)، ابوریده (۱۹۸۴م)، نیوتن (۱۹۸۵ و ۱۹۹۱م)، مارکه (۱۹۸۸م)، آنواتی و هلو (۱۹۷۷م)، بسام اسود (۲۰۰۲م)، حسن (۲۰۰۴م)، گَنَزه (۲۰۰۵م) و کوهکن (۲۰۰۷م) درباره جابر بن حیان و کیمیا و مباحث مرتبط، آثاری تألیف کردند که در موضوع مورد نظر ما چندان محوریتی ندارد. در موضوع این کتاب، عمدتاً به آثار باطن‌گرایانه هانری کربن (۱۹۵۰، ۱۹۶۰ و ۱۹۸۳م) و پی‌یر لوری (۱۹۸۳، ۱۹۸۸، ۲۰۰۳، ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶م) به زبان فرانسوی، نقد تحلیلی و گزارش توصیفی فؤاد سزگین (مقاله: ۱۹۶۵ و کتاب: ۱۹۶۷م) به زبان آلمانی و از همه جدیدتر، آثار نعمان الحق (مقاله: ۱۹۹۲، کتاب: ۱۹۹۴ و مدخل دائرةالمعارفی: ۲۰۰۶م) به زبان انگلیسی، باید مراجعه و استناد کرد.^۱

علم میزان به روایت جابر بن حیان اثری مطالعاتی و تحقیقی است که بر پایه مجموعه آثار منتشرشده جابری و تحقیقات نوین در این باره، به جست‌وجوی پاسخ‌هایی مستند، مستدل و دست‌کم قابل دفاع برای پرسش‌های پیشگفته می‌پردازد و فروتنانه بر آن است که به‌رغم تنگناها و دشواری‌ها، جستاری نخستین برای مطالعه دانشی مهجور اما مهم، به زبان فارسی باشد و در این موضوع از تاریخ علم، روایتی ایرانی — البته حداقلی از پتانسیل روایی و تحلیل ایرانیان — فراهم آورد. بدین منظور، از آنجا که محتوای این دانش با مسائل مربوط به بنیان‌گذار آن تنیده شده و در سراسر آثارش پراکنده است و در جهان‌بینی و جان‌مایه باورهای او نیز ریشه دارد، دو بخش اول به جابر بن حیان (سوانح حیات، پیشوای ایمانی، کتابشناسی، دو مسئله جابری) و اندیشه او (کیهان‌شناسی و

^۱ برای بررسی کتابشناختی آثار مربوط به جابر بن حیان، به ویژه مباحث مرتبط به میزان، نک: کراوس (۱۹۴۳م)، صص ۷۵-۹۹، ۱۹۸-۲۰۲؛ سزگین (۱۳۸۰ش)، صص ۲۰۷-۲۵۵، ۲۹۲-۲۹۹؛ حق (۱۹۹۴م)، صص ۲۵۹-۲۷۵؛ حبشی (۲۰۰۹م)، ص ۱۶۱؛ لوری و خضرای (۱۳۸۴ش)؛ کوهکن (۱۳۸۸ش)؛ و البته منابع همین کتاب که پیش روی گرامی شماست.

طبیعت‌شناسی، حکمت، کیمیا) اختصاص یافته و بر این بنیاد، حقیقت علم میزان پی‌جویی شده و تا جای ممکن، وصف گشته است. در واقع، بخش سوم که غایت این پژوهش است، معنا و مفهوم میزان را، با تکیه بر زمینه‌های مطرح شده در دو بخش پیشین، از مطالعهٔ واژگان آغاز می‌کند و سپس نظری به معانی متداول آن در جامعهٔ اسلامی دو سدهٔ نخستین می‌افکند و از آنجا به میزان جابری می‌پردازد. در این قسمت، به شیوهٔ پسندیدهٔ پیشینیان در معرفی یک علم، تعریف و اهداف و روش‌ها و کاربردهای میزان طرح می‌شود و پس از آن، جزئیات نظام‌های میزان و در نهایت، کامل‌ترین آنها، یعنی میزان حروف مورد بررسی قرار می‌گیرد. پایان این بخش، نگاهی مختصر به ثمرات یا دستاوردهای میزان جابری و چگونگی استمرار یا استحالهٔ آن است که در پی آن دستاورد این تحقیق را نیز می‌نماید و امید دارد که تنها، راهی برای پژوهش‌های بعدی گشوده باشد.

سنت حاکم بر محافل و نظام‌های علمی و دانشگاهی و نیز وظیفهٔ اخلاقی، سپاسگزاری از استادان و راهنمایان و مؤثران در پدیدآمدن یک اثر یا پژوهش را توصیه می‌کند؛ لیکن قدرشناسی و سپاس باطنی اینجانب، فراتر از این چارچوب می‌رود. در حیطهٔ دانشگاهی، به‌ویژه جناب آقای دکتر رضا کوهکن، نیز جناب آقای دکتر ایرج نیک‌سرشت، به‌سبب مکرمت‌های اخلاقی و فضیلت‌هایی که علاوه بر جایگاه و نقش علمی‌شان در به‌انجام رسیدن این پژوهش داشتند، شایستهٔ تعظیم و سپاسی برتر و عمیق‌تر از سنت‌اند. همچنین، موظفم از برادر فاضل و دانشورم جناب محمد کریمی‌زنجانی‌اصل یاد کنم، که در دورهٔ پژوهش و — به‌ویژه به‌موجب تشویق به‌انتشار و یاری عالمانه و برادرانه — در آماده‌سازی محتوا و صورت این کتاب، حق بزرگ فضیلت و اخوت ادا کرد و وظیفه بر ذمهٔ من گذارد، و از ایشان، نیز از هر دو ناشر فرهنگ‌مدار اثر: مؤسسهٔ ابن‌سینا (آلمان، بن) و مجمع ذخائر اسلامی (به‌مدیریت فرهیختهٔ دُرَدانه، جناب سید صادق آصف‌آگاه حسینی اشکوری؛ ایران عزیز، قم) سپاس بی‌کران گزارم.

دریغ که سخن — هرچند طولانی — یارای ایفای مقصود و کشیدن بار معنی را ندارد و چه بسا که ملال می‌آورد و حتّی وظیفهٔ سپاس را به شائبه و تملّق می‌آلاید؛ و افسوس که سنّت دانشگاهی و مجال کاغذی، روایت حدیث نعمت و ذکر ولی نعمتان — حتّی صاحبان حقّ حیات و مصاحبان کمال‌آفرین، یعنی پدر و مادر گرانقدر و همسر و فرزندان و ... — را تاب نمی‌آورد. باری این همه، خارج از میزان است و ناگزیر، از این رسالهٔ میزانی فراتر می‌رود و تکلیف مادام‌العمر دعا و شکر را بر دوش می‌نهد؛ باشد که «واضع میزان» سپاس‌شان گزارد و «بغیر حساب» پاداش فرماید.